## جلسه 87-439

**سه‌شنبه - 27/12/۹8**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به تقدم در نماز بر قبر معصوم علیه السلام بود.

نقل کردیم از برخی از بزرگان مثل شیخ بهایی و مرحوم مجلسی و صاحب حدائق که فرمودند حرام است انسان جلوتر از قبر معصوم نماز بخواند. استدلال شده بر این مطلب به برخی از روایات:

اولین روایت روایتی است که شیخ طوسی در تهذیب نقل می‌‌کند از حمیری که در این روایت حمیری تعبیر شده:‌ اما الصلاة فانها خلفه و یجعل القبر أمامه و لایجوز ان یصلی بین یدیه.

راجع به سند این روایت اشکال‌هایی مطرح شد که جواب دادیم. آخرین اشکال که آقای سیستانی مطرح کردند این بود که این روایت معرض‌عنها است، قدماء‌ از این روایت اعراض کردند.

در کتاب مستمسک مرحوم آقای حکیم این اشکال را مطرح کرده و جواب داده. فرموده: اعراض از یک روایت در صورتی موهن روایت است که ما بدانیم از سند روایت اصحاب اعراض کردند. این منشأ می‌‌شود ظن نوعی به عدم صدور روایت پیدا بکنیم و حجیت خبر ثقه با فرض ظن نوعی به خطأ او اعتبار ندارد. اما این‌جا ممکن است که اعراض از سند نباشد اعراض از دلالت باشد و اصحاب این روایت را حمل بر کراهت کرده باشند. حجیت ظهور چون مشروط نیست به عدم ظن نوعی به خلاف اعراض مشهور از ظهور و دلالت هر چند موجب ظن نوعی به عدم اراده ظهور بشود، اما لطمه‌ای به حجیت ظهور نمی‌زند.

آقای سیستانی در جواب فرمودند: ما به کلمات قدماء از جمله کلام شیخ مفید در مقنعه که رجوع می‌‌کنیم می‌‌بینیم اصلا بحث نماز جلوتر از قبر معصوم مطرح نشده با این‌که مثلا شیخ مفید در صفحه 151 مقنعه راجع به نماز در مقابر ائمه بحث کرده فرموده لاتجوز الصلاة الی شیء من القبور حتی یکون بین الانسان و بینه حائل و قد قیل انه لابأس بالصلاة الی قبلة‌ فیها قبر الامام و الاصل ما ذکرنا و یصلی الزائر مما یلی رأس الامام فهو افضل من ان یصلی الی القبر من غیر حائل بینه و بینه علی حال. اما ایشان راجع به تقدم بر قبر امام در هنگام نماز سخنی نگفته. پس اعراض از سند این روایت است نه از دلالت آن.

به نظر ما این اشکال هم قابل جواب است. برای این‌که اولا: ما از نظر مبنایی خبر ثقه را حجت می‌‌دانیم و لو با ظن نوعی به خلاف آن چون صحیحه حمیری اطلاقش اقتضاء می‌‌کند که خبر ثقه حجت باشد. فرمود العمری ثقتی فما ادی الیک عنی فعنی یؤدی و ما قال لک عنی فعنی یقول فاسمع له و اطع فانه الثقة المأمون. بله، کسانی مثل آقای سیستانی که خبر ثقه را مشروط می‌‌دانند حجیتش را به این‌که وثوق به صدور پیدا کنیم یا کسانی مثل مرحوم آقای صدر می‌‌گویند لااقل ظن نوعی به خلافش نباید پیدا کنیم، اعراض مشهور را از سند موهن می‌‌دانند اما ما حجیت خبر ثقه را مطلق می‌‌دانیم فقط وثوق نوعی به خلافش نباید پیدا کنیم.

و از طرف دیگر این‌که آقای سیستانی فرمود قدماء اعراض کردند از این روایت از جهت صغروی این هم ثابت نیست. چون مسألة عام البلوی که معلوم نیست بوده این مسأله که بخواهند با عدم تعرض به آن بفهمانند به مردم که از متن این حدیث و از سند این حدیث اعراض کردند. عدم ذکر است. یک وقت فتوی به جواز صلات جلوتر از قبر معصوم می‌‌دانند این می‌‌شد اعراض اما این‌که متعرض این مسأله نشدند عام البلوی که معلوم نیست این مسأله بوده، چون شاید مردم عادتا جلوتر از قبر معصوم نماز نمی‌خواندند یا این‌که فقهائی که این روایت را دیده بودند از آن کراهت فهمیده بودند و لذا دیدند مسأله‌ای نیست که به دیگران هم مطرح کردند و متنبه کنند دیگران را. و لذا این اعراض ثابت نمی‌شود.

و لذا سند این روایت به نظر ما تمام است.

اما دلالت روایت: دلالت روایت سه احتمال در آن هست:

یکی این‌که تعبیری که در روایت آمده که و یجعله الامام، این را با کسر همزه بخوانیم بگوییم این روایت مفادش این است که و اما الصلاة فانها خلفه یجعله الإمام و مقصود این باشد که فرض کند قبر امام را خود امام یعنی یفرضه انه هو الامام المعصوم. فرض کند قبر امام خود امام است، ‌چطور جلوتر از امام انسان واقع نمی‌شود و نماز نمی‌خواند جلوتر از امام، ‌جلوتر از قبر امام هم نماز نخواند.

احتمال دوم این است که بگوییم باز یجعله الامام به کسر همزه است و لکن مراد این است که یجعله و یفرضه امام الجماعة، فرض کند قبر امام مثل امام جماعت است. چه جور اگر جلوتر از امام جماعت بایستی و نماز جماعت اقتداء کنی جماعتت باطل است این‌جا هم نمازت باطل می‌‌شود اگر جلوتر از قبر اما بایستی.

احتمال سوم این است که یجعله الأمام با فتح همزه بخوانیم یعنی فانها خلفه، ‌نماز خلف قبر بخوانیم پشت قبر بخوانیم و یجعله الأمام و قبر شریف معصوم را جلوی خودمان قرار بدهیم.

این سه احتمال.

اما طبق احتمال اول که و یجعله الإمام یعنی و یفرض انه الامام المعصوم، اشکال این است که این عرفیت ندارد که بیایند تعبیر کنند شما نماز بخوانی پشت قبر معصوم چون فرض کنی که قبر معصوم همان امام است. آخه این عرفیت ندارد که بیایند تنزیل کنند قبر معصوم را منزله خود معصوم. صرف این‌که ما فرض کنیم قبر معصوم خود معصوم است که ثمره‌ای بر آن مترتب نیست. اگر تقدم بر قبر معصوم در نماز جایز نیست این دیگه احتیاج ندارد که ما فرض کنیم قبر معصوم همان معصوم است، و یجعله الامام. یک وقت خود روایت می‌‌گفت فهو کالامام نفسه اشکالی نداشت اما این‌که بگویند یجعله الامام شما فرض کنید این قبر همان امام معصوم است این رکاکت دارد.

علاوه بر این‌که مگر جلوتر از امام معصوم نماز خواندن در زمان حیات امام مستلزم بطلان صلات بوده تا جلوتر از قبر امام نماز خواندن مستلزم بطلان صلات باشد. بله اگر هتک امام باشد بحث دیگری است اما غالبا هتک امام حساب نمی‌شود. پس این احتمال اول عرفی نیست.

 احتمال دوم این بود که بگوییم و یجعله الامام یعنی قبر شریف معصوم را به منزله امام جماعت قرار می‌‌دهد همان‌طور که تقدم بر امام جماعت موجب بطلان جماعت است بلکه اگر عمدی باشد موجب بطلان نماز هم هست تقدم بر قبر معصوم هم موجب بطلان نماز است. تعلیل درست می‌‌شود که لان الامام لایتقدم یعنی لان امام الجماعة لایتقدم ولی باز هم عرفیت ندارد که ما فرض کنیم این قبر امام جماعت است، آخه این چه فرضی است که فرض کنیم؟ حکم شرعی اگر این است که تقدم بر قبر معصوم در نماز جایز نیست این حکم شرعی را بیان می‌‌کنند. این‌که من فرض کنم این قبر همان امام جماعت من است، این عرفیت ندارد، ‌رکاکت دارد.

می‌ماند احتمال سوم. احتمال سوم این بود که بگوییم و یجعله الأمام فانها خلفه، نماز خلف قبر شریف است و باید مصلی قبر شریف را جلوی خودش قرار بدهد، ‌این عبارت عبارت متینی است و خالی از رکاکت است، ‌عبارت سلیسی است. و لکن تناسب ندارد این تعلیل با حکم الزامی که فرمود فان الامام لایتقدم. بفرماید نماز را خلف قبر شریف بخوانید و یجعله الأمام، قبر شریف را جلوی خودتان قرار بدهید نه پشت سر خودتان، ‌چرا؟ در تعلیل بفرماید که لان الامام لایتقدم، ‌چون بر امام نباید تقدم جست، ‌خب چرا نباید بر امام تقدم جست؟ مگر حرام است کسی جلوتر از امام بایستد در زمان حیاتش؟ یک وقت می‌‌فرمود لان قبر الامام لایتقدم، خب بیان یک کبرایی بود اما نفرمود لان قبر الامام لایتقدم فرمود لان الامام لایتقدم، چون بر امام نباید تقدم جست، خب این تناسب ندارد با حکم الزامی چون بر خود امام معصوم کسی جلوتر بزند، جلوتر از امام معصوم بایستد و لو در نماز اگر مستلزم هتک امام معصوم نباشد که قطعا این حرام نیست و موجب بطلان نماز نیست. این تعلیل تناسب با حکم الزامی ندارد. و لذا می‌‌شود یک حکم تأدبی.

و ما طبق این روایت قائل می‌‌شویم به این‌که جلوتر از قبر امام معصوم نماز خواندن مکروه است حالا یا به معنای این‌که قلت ثواب دارد یا اصلا به این معنا که خود این تقدم حزازت دارد، مبغوضیت غیر شدیده دارد و این موجب بطلان نماز نمی‌شود. پس استدلال به این روایت بر حرمت تقدم بر قبر معصوم در نماز تمام نیست.

اما روایت دوم: روایت دوم روایت احتجاج است جلد 2 صفحه 490. در روایت احتجاج همین روایت حمیری را نقل می‌‌کند اما تعبیر این است:‌ و اما الصلاة فانه خلفه و یجعل القبر أمامه و لایجوز ان یصلی بین یدیه و لا عن یمنیه و لا عن یساره لان الامام لایتقدم و لایساوی. امتیاز این روایت احتجاج این است که نهی از نماز مساوی با قبر امام علیه السلام را هم می‌‌کند.

دلالت این روایت تمام است و لکن سندش ضعیف است چون هم مرسل است و اعتبار ندارد و هم این‌که قطعا این روایت با روایت تهذیب یکی است احتمال تعدد روایت در آن نیست و متنش با روایت تهذیب مختلف است. آن‌جا دارد و یصلی عن یمینه و یساره ولی این‌جا ندارد و لا عن یمینه و لا عن یساره لان الامام لایتقدم و لایساوی.

روایت سوم روایت هشام بن سالم است که در کامل الزیارات نقل می‌‌کند عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث اتاه رجل فقال له یابن رسول الله هل یزار والدک قال نعم و یصلی عنده و قال یصلی خلفه و لایتقدم علیه. این روایت هم نهی کرده از نماز جلوتر از قبر امام معصوم.

دلالت روایت تمام است. عمده اشکال در سندش است. چون در سندش عبدالله بن عبدالرحمن اصم قرار گرفته و نجاشی او را تضعیف کرده. حتی اگر ما بگوییم که رجال کامل الزیارات ثقه هستند که نظر سابق مرحوم آقای خوئی بود و بعدا عدول کرد از آن و فرمود فقط مشایخ بلاواسطه ابن قولویه صاحب کامل الزیارات ثقه هستند و عبدالله بن الرحمن اصم از مشایخ مع الواسطه او است بر فرض ما نظریه توثیق عام رجال کامل الزیارات را قبول کنیم، این‌جا این توثیق عام تعارض می‌‌کند با آن تضعیف نجاشی. تعارض و تساقط می‌‌کنند روایت سندش از اعتبار می‌‌افتد. و وثاقت عبدالله بن الرحمن اصم ثابت نمی‌شود.

و لذا نماز جلوتر از قبر معصوم جایز است علی کراهیة.

بله، اگر عنوان هتک منطبق بشود و لو بخاطر این‌که عرف بشود در بین متشرعه که نماز جلوتر از قبر معصوم نخوانند اگر کسی بخواند عرف انتزاع هتک بکند آن وقت به عنوان هتک امام معصوم حرام می‌‌شود. ولی ظاهرا تا کنون عنوان هتک صادق نبوده و در ارتکاز متشرعه هتک تلقی نمی‌شود. حالا اگر هتک تلقی شد آیا این نماز محکوم به بطلان است یا نه باید ببینیم آیا اولا ترکیب عنوان هتک با نماز ترکیب اتحادی است یعنی عرفا این نماز مصداق هتک است یا بودن در این مکان. و بعد ببینیم اگر ترکیب اتحادی بود این مستلزم بطلان نماز است یا نیست.

آقای سیستانی فرمودند اولا منع می‌‌کنیم از اتحاد هتک با صلات. هتک صادق است بر کون در این مکان اما این اتحاد با افعال صلاتیه ندارد. شبیه این‌که ایشان فرمود اگر روی یک فرشی نماز بخوانید که اسماء مقدسه روی او است کون در آن مکان حرام است و این اتحاد با افعال صلاتیه ندرا. بعد فرمودند بر فرض اتحاد هم داشته باشد با افعال صلاتیه ما معتقدیم اجتماع امر و نهی جایز است و اگر کسی عمدا واجب را در یک فرد حرامی انجام بدهد مثل نماز را در مکان مغصوب بخواند نمازش صحیح است. در آن بحث نماز در مکان مغصوب بخاطر اجماع فتوی ندادیم به صحت صلات در مکان مغصوب اما این‌جا که اجماعی نیست و لذا نماز صحیح خواهد بود.

این فرمایش ایشان ناتمام است. اما این‌که بگوییم هتک بر کون فی هذا المکان صادق است قطعا این‌طور نیست. بودن جلوتر از قبر معصوم که هتک نیست. اگر عرف بشود نماز خواندن جلوتر از قبر هتک تلقی می‌‌شود نه صرف بودن در آن مکان. اطراف قبر شریف جلوتر از قبر افراد می‌‌ایستند. مگر پشت به قبر بکند که بدون این‌که نماز هم بخواند برخی تلقی هتک بکنند اما صرف این‌که جلوتر از قبر با فاصله ایستاده است این‌که هتک نیست. فوقش عرف بگوید نماز در این مکان هتک است اگر عرف این را بگوید نماز می‌‌شود مصداق هتک. وقتی نماز مصداق هتک بود ما عرض کردیم و لو قائل به جواز اجتماع امر و نهی هستیم اما در ارتکاز عقلاء‌ و متشرعه فعل مبغوض و مبعد از مولی صلاحیت عبادیت و مقربیت ندارد.

این فرمایش ایشان شبیه این فتوایی است که دادند که در مسجد اگر کسی برود ببیند امام جماعتی نماز می‌‌خواند برود نماز فردای بخواند و عرف انتزاع کند از این نماز که این هتک دارد می‌‌کند امام جماعت را و این امام جماعت مستحق هتک نیست فعلش حرام است ولی نمازش صحیح است. ما آن‌جا هم اشکال می‌‌کنیم که هتک منطبق است بر نماز او، ‌وقتی هتک منطبق بود بر نماز او این عمل مبغوض است و مبغوض صلاحیت عبادیت و مقربیت ندارد.

این در رابطه با نماز جلوتر از قبر معصوم. امام نماز مساوی قبر معصوم بعض متاخرین گفتند جایز نیست استنادشان هم به همین روایت احتجاج است. که لایجوز ان یصلی بین یدیه و لا عن یمنیه و لا عن یساره. این سندش ضعیف بود علاوه به این‌که معارض بود با روایت تهذیب که تصریح می‌‌کرد فان الامام لایتقدم و یصلی عن یمینه و شماله.

مرحوم آقای خوئی فرمودند روایات کثیره‌ای که می‌‌گوید صلات عند رأس الحسین بسیار فضیلت دارد یا صلات عند قبر امیر المؤمنین علیه السلام زیاد ثواب دارد این نشان می‌‌دهد که نماز مساوی با قبر شریف اشکال ندارد کراهت هم ندارد.

ولی این تمام نیست. چون صلات عند رأس الحسین و لو با تاخر از قبر شریف صدق می‌‌کند یا صلات عند قبر ابی الحسن امیرالمؤمنین علیه السلام با تاخر از قبر شریف صدق می‌‌کند.

بعد در ادامه صاحب عروه که احتیاط واجب کرده بود که جلوتر از قبر امام علیه السلام نماز خوانده نشود فرمودند با حائل اشکال ندارد.

این حرف درستی است. این روایت هم انصرافش به فرض عدم حائل است که فانها خلفه و یجعله الأمام فان الامام لایتقدم، این انصراف دارد به فرضی که حائل نباشد. و البته همان‌طوری که صاحب عروه فرموده شبابیک حرم شریف و یا صندوق قبر شریف این‌ها در صدق حائل کافی نیست. ولی دیواری اگر باشد، دری باشد در را ببندند پشت در پشت دیوار نماز بخواند این مشکل ندارد فان الامام لایتقدم انصراف دارد از این فرض که کسی در یک اتاق دیگری است جلوتر از امام ایستاده نماز می‌‌خواند از این انصراف دارد. و لذا این مسأله خالی از اشکال است.

# شرط هشتم: نجس نبودن

کلام واقع می‌‌شود در شرط بعدی که صاحب عروه فرموده است شرط بعدی این است که الثامن ان لایکون نجسا نجاسة متعدیة الی الثوب أو البدن. شرط هشتم مکان مصلی این است به نحوی نجس نباشد که سرایت کند به ثوب یا بدن مصلی. و اما اذا لم تکن متعدیة فلامانع الا مکان الجبهة فانه یجب طهارته و ان لم تکن نجاسته متعدیة.

این شرط مکان مصلی نیست در حقیقت شرط طهارت ثوب یا بدن است که اگر در یک مکان نجسی که خیس است بایستید بدن‌تان نجس می‌‌شود ثوب‌تان نجس می‌‌شود از این جهت نمازتان اشکال پیدا می‌‌کند حالا اگر ثوبی بود که لاتتم الصلاة فیه بود مثل جوراب نجس بشود چه می‌‌شود. یا خون کمتر از درهم است به لباس بخورد نجس بشود کمتر از درهم است این خون مشکلی ایجاد نمی‌کند. و لذا این شرط در حقیقت شرط مکان مصلی نیست.

# شرط نهم: توازن محل سجده با موضع قدم به مقدار چهار انگشت

شرط نهم این است که محل سجده بالاتر یا پایین‌تر از موضع قدم به بیشتر از چهار انگشت چسبیده به هم نباشد. این را در بحث مکان سجود ان‌شاءالله مطرح می‌‌کنیم.

کلام واقع می‌‌شود در شرط دهم که شرط مهمی است که صاحب عروه فرموده است ان لایصلی الرجل و المرأة فی مکان واحد بحیث تکون المرأة مقدمة علی الرجل أو مساویة له. نباید زن و مرد در مکان واحد نماز بخوانند به جوری که زن جلوتر از مرد یا مساوی مرد باشد مگر این‌که بین این‌ها حائلی باشد یا فاصله به اندازه ده ذراع که حدودا چهار متر و نیم است.

ان‌شاءالله در جلسه آینده راجع به این بحث می‌‌کنیم.

و الحمد لله رب العالمین.